

تبیین و نقد جریان مدارس تمدن‌سازی امام خمینی علیه السلام در ایران

حمزه محمدآبادی*

مراد یاری دهنوی**

چکیده

با توجه به انتقادهای گسترده به نظام آموزش و پرورش، افرادی اقدام به راه‌اندازی مجموعه‌هایی متفاوت کرده‌اند؛ از جمله آنها، مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی علیه السلام است. اعضای این مجموعه، با توجه به مبانی عرفانی امام خمینی مشغول پژوهش و اقدام در جهت تحقق تمدن اسلامی‌اند که برخی فعالیت‌های آنان مستقیم با تعلیم و تربیت ارتباط دارند.

آنان معتقدند همه جامعه، مدرسه است. دانش‌آموزان طی فرایند اصلاح ساختارها و انجام دادن فعالیت‌های واقعی و مورد نیاز جامعه، مبتنی بر مبانی تمدنی، آموزش‌های لازم را فرا می‌گیرند و در عمل هم فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند. با توجه به مبانی عرفانی وحدت وجود، علوم را از یکدیگر کاملاً تفکیک نمی‌کنند و معتقدند فعالیت‌های تربیتی، اقتصادی، طبی و... به یکدیگر ربط دارند.

در این پژوهش، این مجموعه به روش خبرگی و نقادی تربیتی بررسی شده است. بسیاری از فعالیت‌های آنها را می‌توان به خوبی هم‌راستای سند تحول آموزش و پرورش دید؛ هرچند انتقادهایی نیز به آنها وارد است؛ از جمله: آزمون و خطای متعدد، نبودن نظام ارزشیابی شفاف دانش‌آموز و مربی، همچنین تغییرات زیاد در برنامه‌ریزی‌ها که به نظر می‌رسد بیشتر به دلیل ابهام در روش‌ها و بهره کافی نگرفتن از کتاب‌ها و پژوهش‌های نظری در برخی زمینه‌ها باشد.

واژگان کلیدی: مدارس مسجدمحور، تمدن‌سازی، امام خمینی علیه السلام، عرفان، تعلیم و تربیت، ساختارسازی، اقتصاد.

* دانشجوی دکتری دانشگاه شهید باهنر کرمان، بخش علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، میدان پژوهش، کرمان (نویسنده مسئول)
hamzeh@ens.uk.ac.ir

** استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، بخش علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، میدان پژوهش، کرمان
myaridehnavi@uk.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر، آموزش و پرورش ما با انتقادهای جدی مواجه شده است. بسیاری از این انتقادهای منصفانه‌اند؛ از جمله، می‌توان به نقدهای دلسوزانه و دقیق رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای اشاره کرد (میرزاخانی و صمدی، ۱۳۹۶)؛ ضمن اینکه ایشان، به جد خواهان تحول در آموزش و پرورش بوده و هستند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۲/۱۱). در همین راستا، افرادی دغدغه‌مند، به راه‌اندازی مدارس غیرانتفاعی، مدارس مسجدمحور، مدارس تمدن‌ساز و... اقدام کرده‌اند. از جمله می‌توان مدرسه‌ای در مسجد صنعتگران مشهد را نام برد که نزدیک به سیزده سال پیش به‌گونه‌ای آزمایشی از سوی حجت‌الاسلام صرافیان راه‌اندازی شده است (روایت بچه‌هایی که هنوز به مکتب‌خانه می‌روند، سایت خبرگزاری مهر) و اکنون در استان‌های دیگر هم نمونه‌های مشابهی دارد؛ دانش‌آموزان به جای مدرسه در مسجد درس می‌خوانند و زیر نظر مربیان طلبه آموزش می‌بینند (مستند ماهی در آب، سایت شبکه مستند سیما).

مدارس مسجدمحور طاهای نیز نمونه دیگری هستند که در کشور به تازگی آغاز به کار کرده‌اند. اما یک نمونه دیگر از این مجموعه‌ها، مدارس تمدن‌سازی امام خمینی علیه السلام است. این مدرسه که از سوی حجت‌الاسلام صفرپور برای نخستین بار حدود هفت سال پیش در مشهد مقدس تأسیس شده و هم اکنون نیز در برخی استان‌های کشور، شعبه‌هایی را به‌گونه خودجوش و مردمی دایر کرده است و به گفته برخی مربیان مجموعه، زمینه کار در برخی کشورها نیز فراهم شده است (مصاحبه شماره ۲). البته مأموریت این مجموعه، تمدن‌سازی است و یکی از عرصه‌های آن آموزش و پرورش است.

در نگاه امام خمینی علیه السلام، از اصیل‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عناصر تمدن اسلامی، می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. علم و دانش؛ ۲. دین و معنویت؛ ۳. امنیت؛ ۴. سیاست؛ ۵. توکل به خدا؛ ۶. وحدت اسلامی؛ ۷. اُمت اسلامی؛ ۸. پیشرفت اسلامی.

در تمدن اسلامی، تخصص همراه با تعهد معنا می‌شود. دانش‌افزایی، پیشرفت علم و فناوری و اقتصاد، در سایه مبانی و چارچوب‌های اسلامی ارزشمندند؛ وگرنه پیشرفت بدون تقویت باورهای دینی، کژراهه است و متخصص غیرمتهد به دین، که براساس مبانی دینی تربیت نشده باشد، برای تمدن اسلامی زیان‌آور است.

دغدغه امام خمینی علیه السلام رسیدن به تمدن جامع و همه‌جانبه در همه عرصه‌هاست. تمدنی که افزون‌بر علم و فن و مسائل دنیوی، به جنبه‌های معنوی بپردازد و روح تولید در همه عرصه‌های جامعه حکم‌فرما باشد. تمدن الهی، تمدن رسول الهی، همان تمدنی که در آن، جامعه اسلامی از همه جهات متمدن باشد، نه فقط در جنبه‌های مادی و دنیایی (بهشتی، ۱۳۹۷).

وجدانی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای، نسبت میان فلسفه تعلیم و تربیت با تمدن نوین اسلامی و فلسفه تربیتی مطلوب را براساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری تبیین کرده است. در مقاله یزدان‌پناه (۱۳۹۴) هم ظرفیت‌های عرفان اسلامی در تمدن‌زایی بررسی شده است.

در زمینه تحقق تمدن اسلامی، پژوهش‌های نظری و اقدامات فراوانی انجام شده‌اند. از آن جمله می‌توان به چندین دهه تلاش‌های علامه سیدمنیرالدین حسینی هاشمی (ره)، در فرهنگستان علوم اسلامی از اوایل انقلاب اسلامی و همچنین شاگردان ایشان در فرهنگستان، از جمله آیت‌الله سیدمحمد مهدی میرباقری و همچنین حجت‌الاسلام مسعود صدوق (ره) در حسینیه اندیشه در عرصه نظریه‌پردازی و نوشتن کتاب‌ها و جزوه‌های متعدد در رابطه با منطق و فلسفه جدید جهت تمدن‌سازی اسلامی نام برد (حسینی هاشمی، ۱۳۶۵، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰). کتاب‌هایی هم در زمینه بررسی تئوری‌های سبک زندگی غربی و سبک زندگی اسلامی (صدوق، ۱۳۹۶) و گفتمان انقلاب اسلامی (همو، ۱۳۹۵) و همچنین کتاب‌هایی با عناوین نسبت دین با علم و فناوری، مبانی و پیش‌فرض‌های حکومت دینی و اندیشه نوین تمدن اسلامی (بخش مطبوعات پایگاه اینترنتی آیت‌الله میرباقری) و همچنین کتاب‌های متعدد دیگری تألیف شده‌اند.

در سال‌های اخیر هم مجموعه‌هایی، از جمله مؤسسه مطالعات تمدن اسلامی (متا) و همچنین مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی (ره)، اقدام به فعالیت‌های پژوهشی و عملیاتی در زمینه تحقق تمدن اسلامی کرده‌اند. پژوهش حاضر نیز ناظر به فعالیت‌های مجموعه مدارس تمدن‌سازی امام خمینی (ره) انجام شده است.

در مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی (ره)، آموزش به‌گونه مسئله‌محور و البته هدفمند، انجام می‌شود و متربیان بدون تفکیک سنی خاص، از همان آغاز با مسائل واقعی جامعه روبه‌رو می‌شوند و با توجه به مبانی تمدنی امام خمینی که از سوی مربیان به آنها آموخته می‌شود، به دنبال حل مسائل جامعه می‌روند. اصلی‌ترین مسئله آنها اصلاح ساختارهای جامعه است. در طی فرایند اصلاح ساختارها، افراد نیز ناظر به همین مسئله، تربیت و کشف خواهند شد.

مبنای اصلی در فعالیت‌های این مجموعه، دیدگاه عرفانی امام خمینی است. به نظر می‌رسد شیوه کار آنها با ساختار آموزش و پرورش موجود تفاوت‌های بسیار دارد. آنها بر این باورند که دیدگاه و روش امام خمینی و مقام معظم رهبری در اداره ساحت‌های مختلف جامعه، با بسیاری از ساختارهای فعلی و مرسوم، سازگاری ندارد. از آنجا که آموزش و پرورش، بستر پرورش جامعه است، با توجه به اهمیت آن باید در مسیر صحیح تمدن‌سازی و مبانی اسلامی طراحی و اجرا شود. مربیان این مجموعه معتقدند در این مسیر، مشغول پژوهش و فعالیت هستند. همچنین نسبت به

ساختارهای آموزشی، تربیتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کنونی جامعه، انتقادهای بسیار دارند و آنها را کارآمد نمی‌دانند.

با توجه به اهمیت تحول در آموزش و پرورش، این پژوهش به دنبال آن است تا مبانی و روش کار در این مجموعه را بررسی کند و نسبت به شیوه متفاوت آنها، آشنایی بیشتری به دست آورد. چه بسا در جهت رفع مشکلات متعدد که گریبان آموزش و پرورش کشور ما را گرفته‌اند، بتوان از آنها استفاده کرد و ضمن بررسی و نقد آنها از موارد مثبت این مدارس در راستای اصلاح ساختارهای آموزشی کشور، ایده و بهره گرفت.

بسیاری از اهداف این مجموعه‌ها ارزشمندند، اما آیا طراحی این مدارس به گونه‌ای هست که بتواند آنها را به اهدافشان برساند؟ بررسی و نقد منصفانه این مجموعه‌ها می‌تواند به شناساندن، رفع اشکال‌های احتمالی، و گسترش آنها بینجامد. در این پژوهش، به روش خبرگی و نقادی، اهداف، اصول و روش‌های این مدارس بررسی و تبیین شده، و تا آنجا که مقدور بوده، موارد مثبت و منفی آنها تحلیل می‌شوند.

پرسش‌های پژوهش

- ساختار تعلیم و تربیت در مدارس تمدن‌محور چگونه است؟
- فلسفه و مبانی نظری پشتیبان ساختار تربیتی مدارس تمدن‌محور چیست؟
- چه نقدهای درونی و بیرونی (براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) به این نوع مدارس وارد می‌شوند؟

روش پژوهش

این پژوهش کیفی و با روش خبرگی و نقادی تربیتی انجام شده است. «خبرگی و نقادی تربیتی، یکی از اشکال سه‌گانه پژوهش مبتنی بر هنرها قلمداد می‌شوند (بارون و آیزنر، ۲۰۰۶م، به نقل از: نوری، ۱۳۹۳، ص ۲). خبرگی، از منظر آیزنر، به هنر درک کیفیت‌ها اطلاق می‌شود و نقد، به ابزار افشا یا آشکار کردن ویژگی‌ها یا جنبه‌های ادراک شده به واسطه خبرگی. خبرگی، نیازمند توانمندی حس و درک پدیده‌ها، تمییز و تشخیص ظرافت‌ها و فهم تجربه‌هاست. نقد مستلزم عمومیت بخشیدن به تجربه از طریق اشکال مختلف بازنمایی است. برخلاف شکل بازنمایی آماری متداول در مطالعات ارزشیابی، زبانی که نقاد تربیتی در افشای کیفیت‌ها استفاده می‌کند، زبانی استعاره‌ای و نمادین است که آیزنر آن را زبان "غیرگزاره‌ای" یا "خلاق" می‌نامد» (آیزنر، ۱۹۹۱م؛ ۱۹۹۴م، به نقل از: نوری، ۱۳۹۳، ص ۲).

در رابطه با ابعاد ساختاری نقد تربیتی، «آیزنر نقد تربیتی را متشکل از چهار بُعد مهم و ضروری توصیف، تفسیر، ارزشیابی و مضمونیابی می‌داند که با وجود همپوشانی با یکدیگر، به لحاظ کارکرد و شکل بازنمایی مورد استفاده، از هم متمایزند. توصیف، فعالیتی برای شناسایی و وصف کردن کیفیت‌های مهم و ظریف تجربه شده و ادراک شده است که از طریق ابزارهای زبان غیرگزاره‌ای (خلاق) مانند شعر، استعاره، تشبیه، تمثیل و تصویر، میسر می‌شود. نقاد تربیتی، از طریق تفسیر به اکتشاف معانی و تدوین تبیین‌های بدیل می‌پردازد تا معانی توصیف شده را برای خواننده توضیح دهد. بُعد ارزشیابی به قضاوت ارزشی درباره کیفیت تجربه یا پدیده تربیتی مبتنی بر معیارها و شواهد حاصل از توصیف و تفسیر مرتبط می‌شود. آیزنر، معتقد است ارزشیابی بدون قضاوت ارزشی بی‌معناست و این قضاوت ارزشی ضرورتاً مستلزم آشنایی کافی ارزشیاب برنامه درسی با دانش تاریخ و فلسفه تربیت است» (همان، ص ۳).

«مضمونیابی سرانجام مفهومی است که با مفهوم "تعمیم" در پژوهش علوم اجتماعی همخوانی بسیار دارد. این جنبه از نقادی هنری را می‌توان عصاره‌گیری و چکیده‌یافته‌های حاصل از نقد تلقی کرد که ارزشیاب تربیتی آنها را در قالب مجموعه‌ای از مضمون‌های معنادار ارائه می‌دهد. آیزنر، درباره اهمیت مضمونیابی می‌گوید: یکی از کارکردهای عمده نقد تربیتی در نحوه گزارش یافته‌های آن است و بنابراین، باید به گونه‌ای ارائه شود که خوانندگان نقدهای مختلف بتوانند به مقایسه تفسیرهای مختلف از رخدادی مشابه بپردازند و فهم آنان از لایه‌های چندگانه آن رخداد افزایش پیدا کند» (همان، ص ۳).

در این مقاله، در مرحله توصیف، برخی مشاهدات پژوهشگر در بازدید از برخی شعبه‌های این مجموعه در شهرهای مشهد، کرمان، سیرجان و یکی از روستاهای نزدیک کرمان (قناتگستان) و همچنین برداشت‌های وی از حضور در برخی جلسات جمع‌بندی، و مصاحبه با مربیان این مجموعه، ارائه شده است. ضمن اینکه عناصر نه‌گانه برنامه درسی هم در این مدارس بررسی شده‌اند. در مرحله تفسیر، با نگاه عمیق‌تر، برخی مبانی و اصول و روش‌های این مجموعه‌ها بررسی شده و براساس مبانی آنها نقد درون مجموعه‌ای انجام شده است. در مرحله ارزشیابی هم به نقد بیرونی این مجموعه براساس مبانی نظری سند تحول آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. سرانجام، در قسمت مضمونیابی، نتایج به دست آمده ارائه و تعمیم داده شده‌اند به طوری که قابل استفاده برای دیگر مجموعه‌های مرتبط با تعلیم و تربیت باشند.

گام اول: توصیف مجموعه و مدارس تمدن‌سازی امام خمینی رحمه‌الله

مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی رحمه‌الله، تنها یک مدرسه نیست، بلکه در راستای تحقق تمدن اسلامی در ساحت‌های مختلف فعالیت می‌کند. یکی از فعالیت‌های این مجموعه، تعلیم و تربیت است و افزون‌بر این، فعالیت‌های دیگری نیز انجام می‌دهند. در این مجموعه اصلاح ساختارهای جامعه مبتنی بر مبانی تمدنی امام خمینی رحمه‌الله و مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) مورد نظر است.

یکی از ساختارهای بسیار مهم و شاید مهم‌ترین ساختار جامعه، آموزش و پرورش یا همان تعلیم و تربیت است. مربیان این مجموعه تعلیم و تربیت را جدا از دیگر فعالیت‌ها نمی‌دانند و به همراه دانش‌آموزان، درگیر مسائل مختلف مربوط به جامعه اسلامی می‌شوند. به نظر آنان برای تحقق تمدن اسلامی باید ساختارهای جامعه که براساس مبانی اسلامی پایه‌ریزی نشده‌اند، اصلاح شوند. در طی فرایند اصلاح ساختارها، امت‌سازی هم باید شکل بگیرد که افراد نیز ناظر به همین فعالیت‌ها تربیت می‌شوند. در این مجموعه افزون‌بر آموزش قرآن و مبانی تمدن اسلامی، به فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی، طب، تولید محصولات سالم، خرید و فروش، مبادلات مالی، سبک زندگی اسلامی، کشاورزی، دامپروری، معماری، فناوری و... پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه امام خامنه‌ای بر مسئله اقتصاد در سال‌های اخیر تأکید کرده و این مسئله به مسئله اول کشور تبدیل شده است؛ در حال حاضر پروژه اصلی این مجموعه نیز اصلاح ساختار اقتصادی و فعالیت اقتصادی، تولید و توزیع و خدمات و تجارت، بانکداری و بورس (درون مجموعه‌ای) است. البته آنها با توجه به مبانی عرفانی حضرت امام رحمه‌الله و بحث وحدت وجود، اقتصاد را از طب، تغذیه، سیاست، سبک زندگی، آموزش، اعتقادات، احکام، اخلاق و... جدا نمی‌دانند. در حال حاضر، دانش‌آموزان هم در همین فضا و با تأکید بر فعالیت‌های اقتصادی آموزش می‌بینند.

از نظر این مجموعه تمام هستی، مدرسه است که دانش‌آموزان در مواجهه با واقعیت‌های زندگی و تحت آموزش و راهنمایی مربیان به دنبال تحقق جلوه‌های مختلف تمدن اسلامی در جامعه می‌روند و در مسیر تحقق این امور، آموزش می‌بینند و به تحقیق و پژوهش البته در چارچوب آموزه‌های دین مبین اسلام و دیدگاه‌های امام و رهبری می‌پردازند.



تصویر ۱: نمونه‌هایی از فعالیت‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی و اقتصادی دانش‌آموزان مدارس تمدن‌سازی

نخستین شعبه مدرسه را حدود هفت سال قبل جناب حجت‌الاسلام صفروپور در مشهد مقدس راه‌اندازی کرد. بر پایه سخن مسئول هماهنگی مربیان مجموعه، در حال حاضر تعداد مدارس فعال در سراسر کشور حدود ۳۵ مورد است؛ که در شهرهای مشهد، بیرجند، بجنورد، تربت جام، تربت حیدریه، اصفهان، تهران، شاهرود، ساری، اردبیل، مشکین شهر، قم، یزد، سیرجان، کرمان، بوشهر، نیشابور، شیراز و... دایر هستند. ضمن اینکه برخی شهرها، همچون مشهد مقدس، بیش از یک شعبه دارند. البته شمار دانش‌آموزان هر شعبه چنان زیاد نیست؛ در برخی شعبه‌ها کمتر از بیست نفر و در برخی شعبه‌ها بیش از پنجاه نفر هستند. به نظر می‌رسد زمینه فعالیت در برخی کشورها، از جمله عراق، لبنان، سوریه، هند، روسیه و برخی کشورهای دیگر فراهم شده که البته هنوز شعبه‌ای در آن کشورها برپا نشده است. مربیان این مدارس بیشتر از طلاب فاضل هستند، ولی در برخی شعبه‌ها افراد فرهیخته غیرطلبه نیز در مقام مربی فعالیت می‌کنند.

پایگاه اصلی فعالیت هر مدرسه معمولاً یک مسجد است. البته فعالیت آنها محدود به محیط مسجد نمی‌شود و فقط چند ساعتی از برخی ایام هفته، در محیط مسجد یا حسینیه برخی محتواها آموزش داده می‌شود و در بقیه اوقات، مربیان به همراه دانش‌آموزان و حتی والدین، مشغول انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، تولید و توزیع، کشاورزی، دامپروری، پژوهش‌های

میدانی و...، در متن جامعه می‌شوند. معمولاً در کنار مسجد فضاهایی را اختصاص به فعالیت‌های تولیدی می‌دهند و در آنجا به تولید محصولات غذایی و دارویی یا صنایع دستی و... اقدام می‌کنند. در برخی شهرها هم خانه باغ‌هایی در روستاهای همجوار برای انجام فعالیت‌های کشاورزی یا دامپروری در اختیار دانش‌آموزان و والدین قرار می‌گیرد. معمولاً والدین هم در فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند. یک مکان (مثلاً یک خانه) هم به‌عنوان پایانه (ترمینال)، برای فروش محصولات در نظر گرفته می‌شود.

در این مدارس، برای انجام فعالیت‌های واقعی، از جمله تولید و توزیع و کشاورزی و...، با کارشناسان و استادان علوم و حرفه‌های مختلف جلساتی برگزار می‌کنند و پس از بحث و همفکری و تحلیل و تطبیق نظریات آنها با مبانی و چارچوب تمدنی خویش، در صورت تأیید از آن نظریات استفاده می‌کنند. البته معمولاً نظریات کارشناسان در ارتباط با دیگر علوم و در ارتباط با همه ساحت‌های تمدن بررسی و نقد می‌شوند و با توجه به همان مبنای وحدت وجود، در ساختار تمدن‌سازی توحیدی خویش با تضارب افکار و ایده‌ها، به راهکار و ایده جدیدی می‌رسند. معمولاً در طول هفته، مربیان هر مدرسه، جلسات تبادل نظر برگزار می‌کنند. ضمن اینکه در پایان هر ماه، مربیان مدارس هر استان، و در پایان هر فصل و هر سال، مربیان مدارس شعبه‌ها، به همراه برخی دانش‌آموزان و برخی والدین در شهری جمع می‌شوند و یک اردوی تبادل افکار و اندیشه‌ها تحت عنوان «اردوی جمع‌بندی فصلی» و «اردوی جمع‌بندی سالانه» برگزار می‌کنند و گاه از هدایت‌های آقایان صفریور و قرایی بهره‌مند می‌شوند. در این اردوها آقای صفریور معمولاً بحثی ارائه می‌دهد که آن بحث مربوط به پروژه‌های جاری مجموعه است، سپس دیگران به بحث و تبادل نظر پیرامون آن می‌پردازند. گاه حلقه‌های مباحثه تشکیل می‌شوند و در آنها، حلقه‌های کوچک‌تر پس از ساعت‌ها بحث و گفتگو، راهکارهای جدید ارائه می‌شوند که در ماه‌های آینده، جزء برنامه‌های مجموعه در برخی شعبه‌ها قرار می‌گیرند.



تصویر ۲: اردوی جمع‌بندی یزد، تابستان ۱۳۹۸

یکی از اصول و باورهای اساسی متولیان این نوع مدارس آن است که باید برای خداوند قیام کرد و نسبت به مسائل شناخت اجمالی داشت، آنگاه همگام با کار و قیام، تفکر کرد که این‌گونه، جزئیات و تفصیل مسائل بهتر فهمیده می‌شوند. برخی مسائل را هر اندازه مطالعه کنیم، تا وقتی که وارد کار نشده باشیم حقیقت آنها فهم نمی‌شوند. یکی از آیات قرآن کریم که زیربنای این اصل و رویکرد آنهاست، آیه ۴۶ سوره سبأ است: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفَرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُونَ...؛ بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفره یا یک نفره برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید...».

در ساعاتی که قرار است یک محتوا آموزش داده شود، معمولاً آیاتی از سوره‌های کوچک قرآن کریم به همراه تحلیل و تفسیر تمدنی آنها ارائه می‌شوند. در برخی شعبه‌ها، گلستان سعدی به جای کتاب فارسی و کتاب نصاب الصبایان فراهی که کتابی منظوم برای آموزش معنی لغات عربی است، با دانش‌آموزان کار می‌شود. البته این محتواهای آموزشی اجباری نیستند و بیشتر یک پیشنهادند و معمولاً آموزش‌ها ناظر به همان مسئله‌ای ارائه می‌شوند که بر روی آن مشغول به پژوهش و فعالیت هستند. حتی آموزش زبان و آموزش ریاضی هم با توجه به پروژه‌های در حال اجرا محقق می‌شوند؛ برای مثال، وقتی نیاز است برای یک مدرسه میزی ساخته شود، دانش‌آموزان در فرایند ساخت آن میز با مفاهیمی همچون متر و سانتیمتر و طول و عرض و زاویه و... آشنا می‌شوند. در این نوع مدارس، نظر بر آن است که این نوع یادگیری مؤثرتر و ماندگارتر خواهد بود.

برای پذیرش دانش‌آموزان در این مدارس محدودیت خاصی وجود ندارد و والدین پس از آشنایی با مبانی و شیوه کار این نوع مدارس، در صورت تمایل می‌توانند به‌گونه غیررسمی فرزندان خود را به این مدارس بفرستند و البته خودشان هم در جلسات جمع‌بندی و فعالیت‌های اقتصادی و... مجموعه فعالانه شرکت کنند. فارغ‌التحصیلی و اعطای مدرک پایان دوره هم در این مدارس جایگاهی ندارد.

در این نوع مدارس، تفکیک سنی دانش‌آموزان وجود ندارد و ممکن است از سن حدود پنج تا پانزده سال در یک حلقه مباحثه، یا در فرایند انجام دادن یک پروژه مشارکت داشته باشند و هرکس براساس میزان فهم خویش مطالبی را فرا بگیرد و در بحث مشارکت کند. گاه مشاهده می‌شود یک نوجوان مسائل اقتصادی و اجتماعی را به‌گونه‌ای تحلیل می‌کند که یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی از پس آن بر نمی‌آید.

برخی دانش‌آموزان هم در پایان سال تحصیلی با کمک مربیان، کتاب‌های مصوب وزارت آموزش و پرورش را مطالعه می‌کنند و در امتحان‌های آزاد آموزش و پرورش شرکت کرده، مدرک

این سازمان را دریافت می‌کنند (مصاحبه شماره ۵). هرچند برخی مربیان این مجموعه معتقدند مدرک گرفتن در برخی موارد با مبانی آنها سازگار نیست.

مربیان مجموعه‌ها هم در طی فرایند نقل و انتقال‌ها به صلاح‌دید آقای صفروپور یا مسئول هماهنگی مربیان، گاه پس از مدتی جابه‌جا می‌شوند و از شهری به شهر دیگر فرستاده می‌شوند. این جابه‌جایی فوایدی از جمله کسب و انتقال تجربیات را دارد و گاه نیز بنابر برخی مصلحت‌ها و براساس عملکرد و ضعف و قوت مربیان و همراهان آنها انجام می‌شود (مجموعه فایل‌های صوتی شماره ۳).

قرار است مؤسسان و شماری از مربیان باسابقه و مستعد مجموعه (تحت عنوان اخراجیان جوان!) مسئولیت مربیگری شعبه‌ها را به دیگران واگذار کنند و در مرکز «فقه تمدن» که قرار است به صورت غیررسمی در شهر قم راه‌اندازی شود، به مباحثه‌های علمی در سطح خارج فقه تمدن اسلامی بپردازند (مجموعه مصاحبه‌های شماره ۶).

چند تن از مربیان هم موظف‌اند با بررسی شرکت‌های دانش بنیان کشور، ارتباط مجموعه را با مدیران شرکت‌هایی که دغدغه تحقق تمدن اسلامی دارند برقرار سازند و بدین وسیله، زمینه ادامه فعالیت در حوزه فناوری‌های برتر نیز فراهم شود تا افراد مستعد مجموعه به فعالیت‌هایی در این سطح نیز مشغول شوند (مجموعه مصاحبه‌های شماره ۶).

واحد خواهران نیز مانند واحد برادران دایر است. آنها نیز افزون بر فراگیری آیات و روایات و مبانی مرتبط با تمدن اسلامی و دیگر محتواهای آموزشی، در کارهای اقتصادی نیز مشغول فعالیت هستند. با این تفاوت که آنها بیشتر مشغول تولید محصولات خانگی شده‌اند تا توزیع. تولید فرآورده‌های غذایی خانگی، برخی داروهای طب سنتی، لوازم بهداشتی گیاهی، پوشاک، صنایع دستی و... از مهم‌ترین تولیدات واحد خواهران مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی علیه السلام است (مجموعه مصاحبه‌های شماره ۶).



تصویر ۳: نمونه‌ای از تولیدات اعضای مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی علیه السلام

بخشی از هزینه‌های مدرسه در قالب همان فعالیت‌های اقتصادی مجموعه تأمین می‌شود. دانش‌آموزان هم در برخی شعبه‌ها یا باید ماهانه حدود ۲۰۰ هزار تومان شهریه پرداخت کنند یا اینکه به همراه والدین در فعالیت‌های اقتصادی مجموعه مشارکت داشته باشند به‌طوری که باعث گردش مالی ماهانه حدود یک میلیون تومان در مجموعه شوند؛ که در این صورت، نیازی به پرداخت شهریه نیست. البته بیشتر دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند به جای پرداخت شهریه، با توزیع و فروش تولیدات مدرسه در میان اقوام و آشنایان، هزینه مدرسه را تأمین کنند (مصاحبه شماره ۷).

– تطبیق دادن عناصر نُه‌گانه برنامه‌ریزی درسی فرانسیس کلین (فتحی و شفیع، ۱۳۸۶) با مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی (ره)

اهداف: تحقق تمدن اسلامی در همه عرصه‌ها، مبتنی بر اندیشه‌های عرفانی امام خمینی و مقام معظم رهبری.

مواد و منابع آموزشی: قرآن و روایات، عرفان نظری، مراجعه به نظر کارشناسان و کتاب‌های ناظر به تحقق جلوه‌هایی از تمدن اسلامی، برای نمونه، کتاب اقتصادنا، اثر شهید صدر، ناظر به مسائل اقتصادی مجموعه.

محتوا: مباحث مبتنی بر تمدن‌سازی اسلامی و عرفان نظری و اعتقادات و اخلاق و احکام و طب و اقتصاد و ...

فعالیت یادگیری دانش‌آموزان: پژوهش‌های ناظر به مسائل واقعی جامعه در راستای تمدن‌سازی اسلامی، به‌طوری که با توجه به نیازهای جامعه و در راستای رفع مشکلات ساختاری جامعه به پژوهش روی آورده و در عمل نیز به طراحی و تغییر ساختارهای جامعه اقدام می‌کنند. **راهبردهای تدریس مربیان:** هدایت و راهنمایی و همراهی با مربیان در راستای تحقق پروژه‌ها و همچنین، تبیین مبانی تمدنی و شرح آیات و روایات مرتبط.

ارزشیابی: به صورت غیرمدون و تعینی؛ به‌گونه‌ای که هرکس براساس تلاش و استعداد و علاقه خویش جایگاه خود را می‌یابد و گوشه‌ای از کار را به عهده می‌گیرد.

گروه‌بندی: معمولاً تفکیک سنی سختگیرانه‌ای وجود ندارد و سنین مختلف در فرایند یادگیری به‌گونه مشترک مشارکت می‌کنند و افراد با استعدادتر که در یادگیری و انجام دادن عملیات از دیگران پیش می‌افتند، وظیفه آموزش دیگران را بر عهده می‌گیرند.

زمان آموزش و یادگیری: معمولاً زمان آموزش‌های محتوایی مدرسه، صبح‌هاست. ولی جلسات جمع‌بندی و مباحثه ساعت مشخصی ندارد و از نماز صبح تا ساعت‌های پایانی شب ادامه دارد. انجام دادن کارهای عملیاتی واقعی هم ساعت چندان مشخصی ندارد.

مکان آموزش و یادگیری: کل جامعه مکان آموزش و یادگیری و انجام عملیات تمدنی است. البته مساجد، پایگاهی برای عملیات و برخی آموزش‌ها هستند.

گام دوم: تفسیر جریان مدارس تمدن‌سازی امام خمینی رحمته‌الله

این مجموعه براساس مبانی فکری امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌الله شکل گرفته است. البته تأکید بیشتر بر مبانی عرفانی امام خمینی است. آقای صفروپور اعتقاد دارد، هستی‌شناسی عرفانی، کامل‌تر و دقیق‌تر از هستی‌شناسی کلامی و فلسفی است. عرفان، افزون بر عقل و نقل، از شهود هم استفاده می‌کند. در عرفان وحدت وجود به خوبی تبیین شده است. با توجه به اینکه انسان جلوه‌ای از خداوند است باید از آموزه‌های عرفانی در تحقق کارها و تمدن‌سازی استفاده کرد. انسان باید مظهر اسمای الهی باشد؛ چگونگی انجام فعل از سوی خداوند نیز در عرفان شرح داده شده است (مجموعه فایل‌های صوتی شماره ۲). در عرفان نظری، مراحل خلقت، نفَس رحمانی، قوس نزول، تعین اول و ثانی و... بحث می‌شوند (امینی‌نژاد، ۱۳۹۲).

از اصول این مجموعه می‌توان مسئله محوری، درک کل به جزء، اجمال به تفصیل، نکاح اسمائی (تضارب آراء) و جامعیت را نام برد. انسان‌ها باید جامع‌نگر باشند و به شاهراه‌های اصلی علوم نائل شوند تا بتوانند خط ربط میان علوم مختلف را پیدا کنند (مصاحبه شماره ۴). با این نگاه جامع است که می‌توان تمدن اسلامی را در همه ابعاد محقق ساخت. شیوه آموزش هم کل به جزء است؛ البته آقای صفروپور، خود و اعضای این مجموعه را پژوهشگرانی می‌داند که هنوز در آغاز راه هستند و نمی‌توان از آنها عکس‌ایستاده گرفت (فایل صوتی شماره ۱).

در این مجموعه، براساس اصل وحدت وجود عرفانی، هیچ وجودی را غیر از خداوند، مستقلاً متصور نیستند و همه ماسوی‌الله جلوه‌ای از خداوندند. بر این اساس، کثرات این عالم در عین کثرت، وحدت دارند. از این رو، تربیت از امت‌سازی و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و... جدا نیست و باید همه فعالیت‌ها را مرتبط با هم و هم‌راستا با تمدن اسلامی و در جهت توحید محقق ساخت (مجموعه مصاحبه‌های شماره ۶). به اعتقاد استاد صفروپور، تا امت ساخته نشود و امام شکل نگیرد، بشر به تکامل نمی‌رسد. تکامل بشر به امتی است که امام دارد و همچنین امت‌هایی دارند و امام‌هایی دارند؛ و همه امام‌ها با هم نسبت دارند و امت‌اند؛ عرضی و طولی با هم مرتبط‌اند. جهاد با نفس، برای امت‌سازی است. اگر جهاد با نفس نباشد، امت شکل نمی‌گیرد و افراد به دلیل تمایلات نفسانی، از جمله حسد و برتری‌جویی و... تن به امت شدن نمی‌دهند (مجموعه فایل‌های صوتی شماره ۳).

فعالیت‌های این مجموعه پیرامون محور وحدت وجود می‌گردد؛ به گونه‌ای که برای مثال، وقتی قرار است محصولی تولید شود، همه ابعاد آن، چون جنبه‌های شرعی، اخلاقی، طبی، اجتماعی، اقتصادی و دیگر موارد مرتبط با آن هم در نظر گرفته می‌شوند که از همه لحاظ منطبق با تمدن اسلامی و نظام توحیدی باشد.

یکی دیگر از مباحثی که در عرفان نظری مطرح می‌شود، مفهوم نکاح اسمائی است. بر این اساس، وقتی اسمای الهی با همدیگر نکاح می‌کنند، اسمای جدید تولید می‌شوند. بر این پایه، در این مجموعه تمدن‌سازی، در جلسات جمع‌بندی متعدد شهری، استانی و کشوری، با مباحثه‌ها و تبادل اندیشه‌های متعدد با توجه به اصل نکاح اسمائی، با ضرب کردن آرا و اندیشه‌ها در یکدیگر، افکار و ایده‌های جدید تولید می‌شوند.

در عرفان، از مراحل انجام فعل از سوی خداوند و مراحل خلقت بحث می‌شود و مباحثی از جمله نفَسِ رحمانی، اسم جامع، تعیین اول و ثانی و... مطرح می‌شوند. در عرفان، فعل خداوند، سیر اجمال به تفصیل را طی می‌کند به گونه‌ای که در هر مرحله (رُتبی، نه زمانی) کثرت‌های بیشتری متجلی می‌شوند. بر این اساس، اقداماتی که در مجموعه تمدنی آقای صفرپور انجام می‌شوند به این گونه است که نخست، به اجمال مقصد و هدف مشخص می‌شود، ولی تفصیل آن در سیر انجام و تحقق آن فعل به صورت تعیینی حاصل خواهد شد.

البته آنها برای این روش مبنای دیگری هم دارند؛ و آن مبنا همان آیه «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خُفٍّ» (سبأ، ۴۶) است که در ظاهر از سوی امام خمینی بسیار تأکید شده است. براساس این آیه، نخست باید حق را شناخت و برای حق به پا خاست و تفصیل آن و چگونگی تحقق جزئیات آن حق، در سیر انجام آن، با تفکر و همراه با عمل به ظهور می‌رسد (مجموعه مصاحبه‌های شماره ۶). مسئله محوری هدفمند، یکی دیگر از اصول این مجموعه تمدنی است (مجموعه مصاحبه‌های شماره ۶). تحقق یک امر مهم، به عنوان یکی از اولویت‌های تمدنی مجموعه، به عنوان مسئله اساسی مطرح می‌شود و افراد نسبت به آن مسئله دغدغه‌مند می‌شوند. سپس در راستای تحقق آن، فعالیت‌های متعدد مجموعه، از جمله آموزش، پژوهش، مباحثه، جلسات جمع‌بندی، عملیات و... انجام می‌شوند. محتوای آموزشی دانش‌آموزان هم ناظر به همین مسئله هدفدار، مشخص می‌شود.

اصل آموزش کل به جزء هم از دیگر اصولی است که مبتنی بر همان مبانی امام خمینی در این مجموعه بر آن توجه می‌شود. به طوری که نخست باید کل را به صورت اجمالی درک کرد و فهمید، سپس به دنبال شناخت اجزای آن رفت. برای مثال، بی هدف و بدون تبیین مقصد، آموزش ریاضی داده نمی‌شود. بلکه نخست هدف مشخص می‌شود. برای نمونه ساخت یک رُبات کوچک به عنوان

یک هدف موقت در نظر گرفته شده؛ سپس در راستای تولید آن ربات، آموزش‌ها و پژوهش‌های مرتبط به دانش‌آموزان داده می‌شود؛ یعنی در واقع نخست دانش‌آموزان با آن مسئله کلی که همان ساخت ربات است آشنا می‌شوند و سپس ناظر به همان کل، اجزای آن را فرا می‌گیرند. و از همان آغاز یادگیری می‌دانند هدف از یادگیری چیست و سرانجام، فراگیری فرمول‌های ریاضی یا فیزیک قرار است منجر به تولید چه چیزی بشود.

با توجه به اینکه در نظام توحیدی، علوم وحدت دارند و همه هستی، غایت و هدف مشخصی دارد؛ درهم‌تیدگی جلوه‌های مختلف اسمای الهی در عالم را که در عین کثرت، وحدت دارند، می‌توان مبنای اصل جامعیت در مجموعه تمدنی امام خمینی رحمته‌الله دانست؛ به گونه‌ای که همه باید انسان‌هایی جامع بوده و از شاهراه‌های اصلی و کلیات علوم مختلف آگاه باشند. البته نیازی به شناخت تفصیلی همه علوم نیست و فقط می‌توان در علوم محدودی متخصص شد، ولی باید نسبت به دیگر علوم و ارتباط آنها با یکدیگر مطلع بود. در این مجموعه، حتی اگر کسی می‌خواهد در یک علم خاص به گونه بسیار تخصصی کار کند، باید نسبت به علوم دیگر هم آگاهی اجمالی داشته باشد و نقاط ارتباطی میان علوم مختلف را بفهمد.

در این مجموعه، با توجه به مبنای وحدت وجود، نمی‌توان تفکیک واقعی میان مربی و دانش‌آموز قائل شد. هر مربی در این ساختار، ضمن اینکه برخی مطالب را آموزش می‌دهد، خودش نیز آموزش می‌بیند. در مسیر تحقق و در طی فرایند حل یک مسئله، مربی و دانش‌آموزان به همراه یکدیگر تحقیق و پژوهش انجام می‌دهند و به نکات جدید پی می‌برند و هر کدام به میزان فهم خویش به صورت مراتبی مطالبی را فرا می‌گیرند.

مربیان مجموعه معتقدند برای اصلاح ساختارها، برای مثال، ساختار آموزش و پرورش، یا ساختار بانک و بورس و... باید به موازات ساختارهای غلط فعلی، یک ساختار صحیح مبتنی بر مبانی دینی راه انداخت و این ساختار را به عنوان الگوی صالح به نظام اسلامی معرفی کرد. به نظر آنها، اصلاح هر ساختار باید خارج از آن ساختار انجام شود (مجموعه مصاحبه‌های شماره ۶).

گام سوم: ارزشیابی مدارس تمدن‌سازی

– بررسی انسجام درونی (نقد درونی)

در مجموع به نظر می‌رسد برنامه‌های این مجموعه مبتنی بر مبانی عرفانی و اصول توحیدی آن است و از انسجام درونی خوبی بهره‌مند باشد. هرچند به نظر می‌رسد معلوم نیست برخی اهداف این مجموعه در واقعیت به راحتی محقق شوند [برای مثال، آگاهی یافتن اجمالی نسبت به علوم

مختلف با توجه به تنوع و گستردگی علوم، کاری بس دشوار است] و ممکن است سال‌ها آزمون و خطا لازم باشد تا ساختاری منسجم برای رسیدن به این اهداف طراحی شود.

ضمن اینکه اگرچه سعی شده محتوای آموزشی و روش‌های آموزشی و تربیتی در این مجموعه، مبتنی بر مبانی و اصول این مجموعه انتخاب شود، اما با توجه به اینکه محتوای آموزشی به سلیقهٔ مربیان هر شهر و منطقه، وابستگی بسیار دارد، به نظر می‌رسد فقر محتوایی و روشی، در برخی مدارس تا حدودی مشهود باشد.

مربیان این مجموعه هم از آنجا که به صورت نظام‌مند دوره آموزشی تربیتی خاصی را به شکل مشخص طی نمی‌کنند، لذا سطح دانش تخصصی و تجربه آنها در شهرهای مختلف تفاوت‌های چشمگیری دارد. البته این مسئله به نظر برخی مربیان این مجموعه، از جمله قوت‌های مجموعه است؛ زیرا هر کسی براساس سطح توانایی و تلاش خویش، تعیناً ارزیابی می‌شود و جایگاه خویش را می‌یابد. در این مدارس مربی براساس تلاش و استعداد خود به‌گونه کاملاً تعینی (نه تعیینی)، جایگاه خود را پیدا خواهد کرد (فایل صوتی شماره ۱). فرایند ارزشیابی در این مجموعه چندان مدون و مشخص نیست، بلکه با توجه به محک‌های مؤسس و دیگر مربیان و همچنین به‌گونه تعینی انجام می‌شود؛ و هرکس به‌گونه طبیعی و براساس استعداد و تلاش خود، در جایگاه واقعی خودش قرار می‌گیرد و برهمان اساس، ارزیابی می‌شود.

دلالت‌گیری‌های ذوقی و غیروشمند، ممکن است یکی از اشکال‌هایی باشد که بتوان به این مجموعه و برخی مربیان وارد دانست که یا تسلط کافی بر مبانی ندارند، یا توانایی کافی برای استنتاج اصول و روش‌ها را از مبانی ندارند.

همچنین به نظر می‌رسد ظرفیت علمی و عملی این مجموعه در تبیین چیستی و چگونگی اصلاح ساختارهای کلان هنوز به حد کافی نرسیده است.

– نقد بیرونی مدارس تمدن‌محور (براساس مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)

با نگاه کلی به مبانی نظری تحول آموزش و پرورش، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مجموعه مدارس تمدنی آقای صفرپور، بسیاری از اهداف مبتنی بر مبانی و اصول مطرح شده در سند تحول را به خوبی محقق ساخته است. شاید به جرئت بتوان گفت بسیاری از فعالیت‌های این مجموعه همراستا با مبانی نظری سند تحول‌اند.

البته شاید دلیل آن نیز این باشد که هم مبانی سند تحول و هم مبانی این مجموعه، برگرفته از قرآن و روایات معصومان (علیهم‌السلام) و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالیه) هستند. ضمن اینکه در

برخی قسمت‌های سند تحول از دیدگاه‌های فلسفه صدرایی استفاده شده است (مبانی نظری تحول، ص ۴۲) که این فلسفه هم‌راستا با عرفان نظری تدوین شده است. از آنجا که عرفان، مبنای اصلی مدارس صفرپور است؛ اشتراک‌های بسیار زیادی به چشم می‌آیند. در ادامه، شباهت‌های ناظر به مبانی نظری این مجموعه مدارس با سند تحول آموزش و پرورش بیان می‌شوند.

در این مدل، جامعیتی که در سند تحول بنیادین مورد نظر است (مبانی نظری تحول، ص ۹۴)، با توجه به اصل وحدت علوم در آموزش (مبانی نظری تحول، ص ۵۱)، برای متریبانی که با مسائل مختلف جامعه درگیر می‌شوند و با شاهرهای علوم مختلف آشنا می‌شوند، تا اندازه‌ای اتفاق می‌افتد. اصل هم‌زمانی آموزش و عمل که در سند تحول (مبانی نظری تحول، ص ۲۹۲) بر آن تأکید شده است [در آنجا ذکر شده، همان‌گونه که یادگیری به عمل می‌انجامد، عمل هم باعث یادگیری بهتر می‌شود] به نظر می‌رسد، به جای اینکه در مدارس آموزش و پرورش محقق شود، در مدارس تمدن‌سازی امام خمینی (ره) اجرا شده است.

ساحت‌های شش‌گانه یادشده در سند تحول (اعتقادی، عبادی و اخلاقی، جسمی و بدنی، سیاسی و اجتماعی، علمی و فناوری، اقتصادی و حرفه‌ای، هنری و زیبایی‌شناختی) که باید برای انسان به‌گونه متناسب و متعادل پرورش یابند و شکوفا شوند (مبانی نظری تحول، ص ۱۵۵ و ص ۲۹۹)، در مدل آقای صفرپور، به‌گونه به هم پیوسته و یکپارچه محقق می‌شوند؛ هرچند در برخی ساحت‌ها هنوز به حد کافی رشد نداشته‌اند، اما در آینده، درصدد پیشرفت در همه عرصه‌هایند.

به نظر می‌رسد اگر فردی چند روز در اردوهای جمع‌بندی این مجموعه شرکت کند، شاهد تحقق نسبی (نه کامل) شکل ساده‌ای از حیات طیبه (ناظر به مبانی نظری سند تحول) خواهد بود. به‌گونه‌ای که در سبک زندگی، آداب تغذیه، فعالیت‌های اقتصادی و... دقت‌هایی مبتنی بر مبانی تربیت اسلامی انجام می‌شوند (مبانی نظری تحول، ص ۲۸۹).

اینکه در مبانی نظری سند آورده شده است که آموزش باید ناظر به مسائل واقعی زندگی باشد (مبانی نظری تحول، ص ۲۸۹) و اینکه شکوفایی استعدادها در حین عمل صورت پذیرد، اغلب در مدل صفرپور لمس می‌شود.

انگیزش درونی، بسیار مؤثرتر از انگیزش بیرونی عمل می‌کند و در سند هم به پژوهش‌های مرتبط با این موضوع اشاره شده است (مبانی نظری تحول، ص ۲۲۰). در مجموعه تمدنی امام خمینی (ره) وضعیت به‌گونه‌ای است که معمولاً مربیانی با انگیزه و با روحیه جهادی پا در این عرصه دشوار می‌گذارند و می‌توانند در آن وضعیت فعالیت کنند. به‌ویژه در آغاز کار، جایی برای انگیزه‌های بیرونی باقی نمی‌ماند.

اینکه در سند تحول بیان شده که تفاوت‌ها میان متریان باید ملاحظه شود (مبانی نظری تحول، ص ۶۷)؛ در این مدل تقریباً محقق می‌شود؛ چراکه هر شخصیت براساس علاقه و استعداد خویش، گوشه‌ای از کار را به عهده می‌گیرد.

با توجه به اینکه تربیت در این مجموعه در صحنه‌های واقعی از زندگی اتفاق می‌افتد، از این‌رو، هنگام انجام دادن فعالیت‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بزنگاه‌های تربیتی متعددی ایجاد می‌شوند که مربیان زبده می‌توانند برخی احکام شرعی و آداب اخلاقی و اجتماعی، از جمله عدالت و احسان (مبانی نظری تحول، ص ۲۹۵) را که در مبانی نظری سند تحول و برای تحقق مدرسه صالح، مورد تأکید هستند، به خوبی و عملی آموزش دهند.

در مقام نقد می‌توان گفت: چون تغییرات در این مجموعه بسیار زیاد است، برای مثال، پس از یک سال ممکن است برخی محتواها و روش‌ها به کلی تغییر کنند، یا ساختارهای اقتصادی و آموزشی و... که در مجموعه در حال شکل‌گیری‌اند با تحولات بسیاری همراه باشند؛ از این‌رو، این مسئله ممکن است باعث شود والدین اعتماد کمتری داشته باشند و تاحدودی نگران تغییرات ساختاری این مجموعه باشند. البته باید توجه داشت که این تغییرات جزء ذات هر کار پژوهشی‌اند و در محدوده مبانی تمدنی انجام می‌شوند و این نوسان‌ها (آزمون و خطاها) و تبادل افکار و اندیشه‌ها، در یک مسیر مشخص و هدفدار انجام می‌شوند که از جهتی حُسن این مجموعه به شمار می‌آید (مجموعه مصاحبه‌های شماره ۶).

به نظر می‌رسد آموزش دادن برخی محتواها (که به نظر کارشناسان متعهد تعلیم و تربیت اسلامی، برای دانش‌آموزان ضروری‌اند)، مغایرتی با اهداف این مجموعه ندارد و باید به صورت مدون در این مجموعه از آنها استفاده شود. حتی ممکن است مربیان و مؤسسان این مجموعه، خودشان تعیناً پس از مدتی به این نتیجه برسند که برای تحقق تمدن‌سازی و اصلاح ساختارهای جامعه، برخی محتواهای مشترک برای همه دانش‌آموزان ضروری‌اند و باید در ساختار آموزشی قرار گیرند، و چه بسا رسیدن به این نتیجه زمانبر باشد و سال‌ها طول بکشد، تا این محتواها تدوین شوند. با توجه به اینکه در تدوین مبانی نظری سند تحول آموزش و پرورش متفکران نخبه‌حوروی و دانشگاهی مشارکت داشته‌اند؛ از این‌رو استفاده از محتواهای آموزشی که در مبانی نظری سند تحول به آنها اشاره شده (هرچند هنوز در خود وزارت آموزش و پرورش به‌طور کامل محقق نشده‌اند)، می‌توانند مورد توجه باشند؛ یا حتی فعلاً آموزش کتاب‌های درسی مدارس آموزش و پرورش می‌توانند مفید باشند. ضمن اینکه، این کار باعث اعتمادسازی بیشتر می‌شود و این آرامش خاطر را برای والدین فراهم می‌آورد که دانش‌آموزان مدارس تمدن‌سازی امام خمینی (ره) افزون‌بر تربیت در

بستر تحقق واقعیت‌های عینی جامعه، با محتوای آموزشی رسمی کشور هم بیگانه نیستند. در برخی بیانات مقام معظم رهبری تأکیدهای بسیاری مبنی بر خوب درس خواندن، به‌عنوان یکی از وظایف اصلی دانش‌آموزان دیده می‌شود (بیانات رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۶). ضمن اینکه در بیاناتی در دیدار طلاب هم فرمودند: «اگر درس نخوانید، نمی‌توانید تأثیرگذار خوبی باشید» (بیانات رهبری در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران، ۱۳۹۶)؛ از این رو، به نظر می‌رسد تدریس و یادگیری برخی محتوای تأیید شده از سوی امام خمینی، و امام خامنه‌ای، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش می‌تواند گامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی باشد؛ که مسئولان مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی رحمه‌الله می‌توانند آن را در دستور کار خود قرار دهند.

طراحی فضای آموزشی مناسب برای برخی آموزش‌ها لازم است؛ برای مثال، کارگاه آموزش تخصصی کامپیوتر، یا الکترونیک، یا صنایع دیگر. که باید گفت جای خالی این نوع کارگاه‌ها در این مجموعه احساس می‌شود؛ البته شاید دلیل آن این است که هنوز این مجموعه به‌گونه‌ای جدی در حوزه فناوری‌های برتر گام نهاده است.

خودبستگی نظری، ارتباط ناکافی کادر مدارس با متخصصان دانشگاهی، احساس نیاز نکردن به مطالعه متون تخصصی رشته تعلیم و تربیت، ناسازگاری برخی روش‌ها با مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلام، از جمله نقدهایی هستند که برخی پژوهشگران به این مدارس به اصطلاح تحول‌خواه اسلامی، وارد می‌دانند (مدنی‌فر، ۱۳۹۸). شماری از این اشکال‌ها را می‌توان به برخی شعبه‌ها و البته به برخی مربیان مدارس مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی رحمه‌الله وارد دانست. برای مثال، به نظر می‌رسد برخی مربیان این مجموعه به اندازه کافی با مباحث تخصصی تعلیم و تربیت آشنایی کافی ندارند و چندان هم به مطالعه این مباحث تشویق نمی‌شوند، همین مسئله گاه سبب می‌شود که از روش‌های تربیتی نامناسب در برخی موارد استفاده شود.

آنها معتقدند باید به اجمال (نه تفصیلاً) با مسائل و راه حل اجمالی و کلی آنها آشنا و سپس وارد عمل شد. در فرایند انجام کارها (اصطلاحاً عملیات)، خود به خود و متناسب با مسئله، علم تفصیلی حاصل می‌شود. این فرایند ظاهراً با آزمون و خطای فراوانی همراه است و ممکن است عالم هستی به زودی اشتباه‌های ما را نشان ندهد؛ «گویی طبیعت، دامنه و آستانه تحملی دارد که تا وقتی فرضیه‌ها پا فراتر از آن نگذاشته‌اند، طبیعت، نقص و اشکال آنها را آشکار نمی‌کند، اما اگر از این حد درگذرند، نواقص و ناهمخوانی آنها با طبیعت آشکار می‌شود. کارآمدی نظریه‌ها، با وجود نادرستی آنها، ممکن است ناشی از قرار داشتن در دامنه تحمل طبیعت باشد.» (باقری، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷).

شاید بهتر باشد تا حد امکان قبل از عملیات، در مواردی مثل مباحث تربیتی کودک، با کمک صاحب‌نظران تعلیم و تربیت به طراحی مدلی دقیق و کارشناسی شده پرداخت، البته مبتنی بر همان مبانی، سپس وارد عملیات شد. زیرا گاه دیده شده مریبان در حین کار، با چالش‌هایی مواجه می‌شوند که اگر پیشتر علم کافی داشتند، با آن چالش روبه‌رو نمی‌شدند. ضمن اینکه پیش از ورود به عملیات، باید به سن خردسالان، برای انتخاب نوع بازی مورد نیاز آنها و همچنین به سن بلوغ عقلی برای ورود به انتزاعیات محض، توجه داشت.

با وجود دیدگاه‌های متنوع، از جمله جامع‌نگری، خروج از ساختارها برای اصلاح ساختار، عرفان، مسئله‌محوری و تربیت ساختاری، به نظر می‌رسد ترکیب صحیح اینها با هم کار دشواری است و اگر دقت نشود و کارها مبتنی بر مبانی تمدن صورت نگیرد، ممکن است به التقاط منجر شود.

گام چهارم: مضمون‌یابی در جریان مدارس تمدن‌سازی (تعمیم نتایج و یافته‌ها)

تربیت، در واقع کار پروردگار است و مربی واقعی خداست؛ حتی اگر بتوان انسان‌ها را تربیت هم کرد، اما ساختارهای غلط موجب انحطاط افراد جامعه خواهند شد (مصاحبه شماره ۱). همچنین راه حل بهتر و سریع‌تر برای اصلاح ساختار، این است که خارج از ساختار، مدلی مبتنی بر مبانی اسلامی ارائه شود. اکنون می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که: برای تربیت عبد صالحی که بتواند امامت یک امت را هم به دست بگیرد، بهترین شیوه این است که در متن جامعه، به اصلاح ساختارهای غلط پرداخت و ساختاری متمدن و اسلامی ارائه داد؛ زیرا وقتی تمدن اسلامی شکل بگیرد، تربیت فوج فوج اتفاق می‌افتد (مصاحبه شماره ۳).

در نهایت، به نظر می‌رسد اگرچه در وزارت آموزش و پرورش و مدارس وابسته به این وزارت، سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی کشور چنان‌که باید و شاید اجرائی نشده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۲/۱۹)؛ اما مجموعه مدارس تمدن‌سازی امام خمینی (ره)، توانسته‌اند خواسته یا ناخواسته، هم‌راستا با این سند و مبانی نظری آن حرکت کنند؛ هرچند هنوز کمبودها و کاستی‌های بسیاری هم دارند.

البته در مسیر تحقق ابعاد از تمدن، برای نمونه، تدوین محتوا و تدین روش‌های نوین تعلیم و تربیت که هنوز کاملاً طرح و محتوای آن براساس مبانی تمدنی آماده نشده، لازم است به نظر کارشناسان متعهد و کتاب‌ها و اسناد مربوط مراجعه شود تا از گرفتار شدن در گرداب آزمون و خطاهای زمانبر و پیچیده که شاید سال‌ها بعد نتیجه نهائی خود را نشان بدهند، در امان ماند. در این دوران گذار، می‌توان به اسناد بالادستی تأیید شده از سوی رهبر معظم انقلاب اعتماد کرد و از

ایده‌ها و پیشنهادهای مطرح شده در آن استفاده برد، تا اندک‌اندک، مدل تمدنی دقیق‌این بُعد از ابعاد تمدن اسلامی آماده شود.

به نظر می‌رسد ورود به برخی زمینه‌ها (برای نمونه، طب)، نیاز به مطالعات طولانی مدت تخصصی، یا استفاده از نظریات صاحب‌نظران آن عرصه دارد و نمی‌شود با مطالعات سطحی و کوتاه مدت پای در آن عرصه‌ها نهاد. برخی شاخه‌های علوم آن‌قدر تخصصی‌اند که شاید سال‌ها نیاز باشد تا پیش‌نیازهای آن علوم مطالعه شوند، تا بتوان آشنایی نسبی با آنها پیدا کرد، تا چه رسد به اینکه بتوان به سرعت نظر کارشناسی داد، یا طرحی جدید و مبتنی بر مبانی تمدنی در انداخت. برای مثال، ورود به عرصه هوش مصنوعی، نیازمند تسلط بر مباحث پیچیده ریاضی و علوم رایانه است و این نیاز شاید در یک بستر آکادمیک، بهتر محقق شود، همان بستری که سال‌ها بر روی آن فکر شده است و چه بسا سال‌ها آزمون و خطا انجام شده تا به شیوه امروزی در آمده است.

همچنین نیازی نیست بسیاری کارها دوباره از صفر شروع شوند، بلکه باید کلیات آنها را با مبانی تمدنی سنجید و از نظریات و پژوهش‌های متخصصان آنها که آشنا و متعهد به مبانی اسلامی‌اند استفاده کرد. چه بسا نتیجه سال‌ها آزمون و خطا، دوباره رسیدن به همین ساختار موجود باشد.

واضح است که آموزش صحیح‌شنا در استخر انجام می‌شود، نه در کلاس؛ و این حلقه مفقوده آموزش و پرورش ماست. به نظر می‌سد آقای صفرپور و همکاران وی در راستای حل این مسئله باشند که آینده‌سازان این جامعه را در همان متن جامعه و در مواجهه با مسائل روز تربیت کنند، نه در محیط ایزوله کلاس درس. باید تدبیری اندیشید تا در آموزش و پرورش و دیگر نهادهای متولی امر تعلیم و تربیت، ضمن هدف‌گذاری مبتنی بر مبانی نظام معیار اسلامی (سند تحول، ص ۱۱)، از ایده‌های این مدل (که سال‌ها تجربه شده‌اند) استفاده شده و در عمل و به‌گونه‌ای کاملاً واقعی و نه تصنعی، تربیت وارد زندگی فردی و اجتماعی افراد شود.

منابع

- قرآن کریم.
- امینی نژاد، علی (۱۳۹۲)، آموزش پودمانی مبانی عرفان اسلامی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران (فلسفه برنامه درسی)، ج ۲، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۷)، «نگاهی روان‌شناختی - اجتماعی به باورهای تمدن ساز امام خمینی (ره)»، دوفصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۱۲، ش ۲۲.
- بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان (۱۳۹۶/۸/۱۱)، تاریخ بازیابی ۱۳۹۸/۱۰/۱۱، www.leader.ir/fa/speech/19721/
- بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار دانشجویان و معلمان (۱۳۹۷/۲/۱۹)، تاریخ بازیابی ۱۳۹۸/۱۰/۱۱، www.leader.ir/fa/content/20962/
- بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران (۱۳۹۶/۶/۶)، تاریخ بازیابی ۱۳۹۸/۱۰/۱۱، www.leader.ir/fa/speech/19100/
- بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار معلمان و فرهنگیان (۱۳۹۸/۲/۱۱)، تاریخ بازیابی <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=42398>
- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله میرباقری، بخش مطبوعات (۱۳۹۸)، تاریخ بازیابی ۱۳۹۸/۱۰/۱۱، <http://mirbaqeri.ir/%D9%85%D8%B7%D8%A8%D9%88%D8%B9%D8%A7%D8%AA.html>
- حسینی هاشمی، سیدمنیرالدین (۱۳۶۹)، اصالت تعلق، فرهنگستان علوم اسلامی.
- حسینی هاشمی، سیدمنیرالدین (۱۳۶۷)، فلسفه اصول روش تنظیم (اصالت رابطه)، فرهنگستان علوم اسلامی.
- حسینی هاشمی، سیدمنیرالدین (۱۳۷۰)، فلسفه اصول مبانی نظام ولایت، فرهنگستان علوم اسلامی.

- روایت بچه‌هایی که هنوز به مکتب‌خانه می‌روند، سایت خبرگزاری مهر (۱۳۹۴)، تاریخ بازیابی ۱۳۹۸/۱۰/۱۱، www.mehrnews.com/news/3580747
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰).
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (آذرماه ۱۳۹۰).
- صدوق، مسعود (۱۳۹۵)، گفتمان انقلاب اسلامی، حسینیه اندیشه.
- صدوق، مسعود (۱۳۹۶)، بررسی سه تئوری تولید قدرت، اطلاع، ثروت در سبک زندگی غربی و سبک زندگی اسلامی، حسینیه اندیشه.
- فتحی و اجارگاه، کوروش و شفیع، ناهید (۱۳۸۶)، «ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، ش ۵.
- مجموعه مصاحبه‌های شماره ۶: مصاحبه با حجت‌الاسلام صفرپور مؤسس مجموعه، حجج اسلام زینلی، عسکرپور، مختاری، خاکساری، اسلامی و آقای فلاح، از مربیان مجموعه و آقای عزیزی مسئول مربیان و آقای شیخ سجادی از والدین و فعالان اقتصادی مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی علیه السلام، در ایام جلسات جمع‌بندی شهریور ۱۳۹۸، حسینیه بزرگ خیرآباد شهر یزد.
- مدنی‌فر، محمدرضا (شهریور ۱۳۹۸)، نهمین جلسه گردهمایی مدارس تمدن خواه اسلامی (همتا) در اصفهان (آفت و چالش‌های پیش روی مدارس اسلامی).
- مستندهای ماهی در آب، سایت شبکه مستند سیما (۱۳۹۸)، تاریخ بازیابی ۱۳۹۸/۱۰/۱۱، www.doctv.ir/programs/892188 و www.doctv.ir/programs/892188
- مصاحبه شماره ۱: مصاحبه با حجت‌الاسلام اسلامی، از مربیان مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی علیه السلام سیرجان و اصفهان، ۱۳۹۸/۲/۱۱، خانه عملیات اقتصادی مدرسه تمدن‌سازی سیرجان.
- مصاحبه شماره ۲: مصاحبه با حجت‌الاسلام دکتر عباس خاکساری، از مربیان مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی علیه السلام کرمان، ۱۳۹۸/۴/۴، جلسه با والدین و مربیان، خانه باغ عملیات کشاورزی و دامپروری قنات‌غستان.
- مصاحبه شماره ۳: مصاحبه با حجت‌الاسلام دکتر عباس خاکساری و آقای یوسف فلاح، از مربیان مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی علیه السلام کرمان، ۱۳۹۸/۴/۳۰، خانه باغ عملیات کشاورزی و دامپروری قنات‌غستان.

- مصاحبه شماره ۴: مصاحبه با حجت‌الاسلام دکتر عباس خاکساری و آقای یوسف فلاح، از مربیان مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی (ره) کرمان، ۱۳۹۸/۵/۱، خانه عملیات و جلسات کرمان، مقابل مسجد امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ادامه مصاحبه در مسیر منزل آقای خاکساری.
- مصاحبه شماره ۵: مصاحبه با آقای یوسف فلاح، از مربیان مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی (ره) کرمان، ۱۳۹۸/۵/۱۳، مجتمع فرهنگی ورزشی امام خمینی (ره) کرمان.
- مصاحبه شماره ۷: مصاحبه با حجت‌الاسلام دکتر عباس خاکساری، از مربیان مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی (ره) کرمان، خرداد ۱۳۹۸، مسجد قائم (ره) کرمان.
- میرزاخانی، علی و صمدی، جواد (۱۳۹۶)، اهمیت تحول و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از دیدگاه مقام معظم رهبری، سومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی ایران.
- نوری، علی (۱۳۹۳)، «الگوی خبرگی و نقد تربیتی»، دانشنامه ایرانی برنامه درسی، دانشنامه ۳.
- وجدانی، فاطمه (۱۳۹۸)، «بررسی نسبت میان «فلسفه تعلیم و تربیت» با تمدن نوین اسلامی و تبیین فلسفه تربیتی مطلوب براساس دیدگاه مقام معظم رهبری»، نشریه علمی آینده معرفت دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۹۸.
- یزدان‌پناه، سید یدالله (۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های عرفان اسلامی در تمدن‌زایی»، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات، سال بیستم، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴.
- فایل‌های صوتی:

شماره فایل‌ها	عنوان فایل	منبع اخذ فایل
۱	مباحثه اعضای کارگروه فقه تربیت قم با حجت‌الاسلام صفرپور، ۱۳۹۷/۱۰/۲۰	حجت‌الاسلام نصراللهی از اعضای کارگروه فقه تربیت
۲	مجموعه فایل‌های صوتی جلسات جمع‌بندی سالانه اسفند ۱۳۹۶ مشهد	ضبط شده از سوی پژوهشگر و همچنین نماینده مرحوم حجت‌الاسلام حاجی آبادی
۳	مجموعه فایل‌های صوتی جلسات جمع‌بندی مرداد ۱۳۹۸ شاهرود	حجت‌الاسلام عباسی مسئول تدوین مجموعه تمدن‌سازی امام خمینی (ره)

(فایل‌های صوتی و مصاحبه‌ها نزد پژوهشگر موجودند).